پرهیز از خوش بینی

یارجانی، جواد

در میان کشورهای عمده‏ مصرف کننده نفت نظیر ژاپن، چین و کره جنوبی وابستگی‏ آمریکا به نفت خاورمیانه در حد بسیار پائین‏تری است

فعال شدن عوامل ژئوپلتیک، نظیر ایجاد بحران در موضوع هسته‏ای ایران از سوی‏ آمریکا،می‏تواند به افزایش‏ قیمت‏های نفت کمک کند

با توجه به تغییرات و نوسانات شدیدی که‏ قیمت نفت در طول‏ سال‏ها داشته است، پیش‏بینی دقیق قیمت‏ نفت حتی برای یک ماه‏ آینده هم ممکن نیست

چشم انداز بازار جهانی نفت در سال 2007 پرهیز از خوش‏بینی

جواد یارجانی‏ در ارتباط با پیش‏بینی قیمت در سال جاری و در سال‏های آتی ابتدا لازم است به یک نکته اشاره کنم.با توجه به تغییرات و نوسانات شدیدی که قیمت نفت در طول سال‏ها داشته است،پیش‏بینی دقیق قیمت نفت حتی‏ برای یک ماه آینده هم ممکن نیست.در تحلیل بازار نفت، این مطلب بسیار شنیده می‏شود که تنها موضوع قابل‏ پیش‏بینی دقیق در بازار نفت‏"غیر قابل پیش‏بینی‏"بودن آن‏ است.به همین دلیل است که فقط می‏توانیم با توضیح‏ شرایط و ذکر شواهد تا حدودی روند قیمت‏ها را در آینده ترسیم کنیم.

سابقه افزایش قیمت‏های نفت در چند سال اخیر به سال‏ 2004 میلادی باز می‏گردد که تقاضای جهانی به یکباره‏ نداشت،یعنی توجهی یافت که در 25 سال قبل از آن سابقه‏ نداشت،یعنی در مقایسه با سال 2003،نزدیک به‏ 3 میلیون بشکه در روز به تقاضای جهانی افزوده شد.در این میان البته نقش رشد تقاضا در کشورهائی همچون‏ چین و هند در این زمینه بسیار چشمگیر بود.این در حالی‏ بود که از سال 1994 تا 2002 متوسط رشد تقاضای جهانی‏ در سال بیشتر از 1/1 میلیون بشکه در روز نبود.رشد تقاضای جهانی از سال 2005 به بعد بار دیگر به سطح‏ معمول خود برگشت.در آن سال،رشد تقاضای جهانی‏ برای نفت حدود یک میلیون بشکه در روز بود و در سال‏ 2006 این رشد حتی به یک میلیون بشکه در روز هم‏ نرسید.بر این اساس سال 2004 سال خاصی بود که‏ احتمال تکرار آن چندان محتمل نیست.

این افزایش یکباره تقاضای جهانی موجب شد ظرفیت‏ مازاد تولید کشورهای عضو اوپک به حداقل برسد،و این در حالی بود که تولید کشورهای غیر اوپک به دلایل‏ مختلف از جمله وقوع طوفان‏های سهمگین در خلیج‏ مکزیک و کاهش طبیعی تولید در بعضی از مناطق جهان‏ مانند دریای شمال و روسیه بیش از حد انتظار،کاهش‏ یافت.این عوامل که اصطلاحا عوامل بنیادین بازار به آن‏ها اطلاق می‏شوند-در سال‏های 2004 و 2005 موجب شدند که‏ قیمت‏ها به سرعت رو به افزایش بگذارند.

عوام لغیر بنیادین خصوصا در سال 2006 هم بسیار در این روند افزایشی سهیم بودند.از جمله این عوامل‏ می‏توان به مسائل ژئوپلتیک،جنگ‏ها،شورش‏ها و نظایر آن اشاره کرد.کمبود ظرفیت پائین دستی خصوصا برای تولید فراورده‏های سبک‏تر به این افزایش قیمت‏ دامن زد.اما با تداوم قیمت‏های بالا،به طور طبیعی،هم‏ عرضه و هم تقاضای نفت،تحت تاثیر قرار گرفتند.به‏ بیان دیگر کاهش تقاضا و افزایش میزان عرضه به مرور رخ نمودند.برای مثال دولت‏های برخی کشورهای‏ آسیائی مانند چین،هند،تایلند و اندونزی به دلیل‏ هزینه‏های بسیار بالای یارانه‏های فراورده‏های نفتی به‏ تدریج نسبت به کاهش این سوبسیدها اقدام کردند.این‏ امر موجب افزایش قیمت‏ها برای مصرف کننده نهائی و کاهش مصرف در این کشورها گردید.اوج قیمت‏ها، البته قیمت اسمی نفت،در سال گذشته مشاهده شد.این‏ افزایش عمدتا ناشی از شرایط بحرانی در خاورمیانه و به‏ دنبال حمله اسرائیل به لبنان و نگرانی دنیا از گسترش این‏ جنگ به سایر نقاط خاورمیانه بود.بعد از فروکش کردن‏ بحران و رفع برخی دیگر از عوامل غیر بنیادین،کم کم‏ تاثیر عوامل بنیادین یعنی عرضه و تقاضا و حجم ذخایر نفتی بر قیمت‏ها پر رنگ‏تر شدند.در همه این تحولات‏ ،نقش بورس‏بازان،که حجم معاملات آن‏ها در بازارهای‏ بورس به مراتب بیشتر از حجم معاملات آن‏ها در بازارهای‏ بورس به مراتب بیشتر از حجم معاملات فیزیکی است، بسیار موثر بوده است؛چرا که آن‏ها به انگیزه سودجوئی بعد از فروکش کردن بحران و رفع برخی از عوامل‏ غیر بنیادین،کم کم تاثیر عوامل بنیادین یعنی عرضه و تقاضا و حجم ذخایر نفتی بر قیمت‏ها پر رنگ‏تر شدند

با هر تحولی به خرید نفت کاغذی اقدام می‏کنند.برای‏ مثال در اکتبر 2006 در حالی که تقاضای جهانی نفت‏ روزانه جهانی نفت و فراورده‏های نفتی حدود 50 میلیون‏ بشکه در روز می‏رسید،حجم معاملات کاغذی تنها در بازار بورس نیویورک روزانه به بیش از 200 میلیون بشکه‏ در روز رسید.ورود و خروج این بورس‏بازان از بازارهای مختلف نظیر بازار ارز و یا سایر کلاها و همین طور نفت به انگیزه سودجوئی و با توجه به پیش‏بینی‏ آن‏ها از روند افزایشی قیمت‏ها در آینده صورت می‏گیرد. برخلاف یکی دو سال اخیر،اقبال بورس‏بازان از بازار نفت جهت عکس پیدا کرده است و عمدتا خروج از این‏ بازار به صورت فروش بسیار متداول شده است.خود این امر می‏تواند به کاهش بیشتر قیمت‏ها دامن بزند.

درباره سال 2007،پیش‏بینی‏های سازمان اوپک‏ هم اکنون بیشتر بر کاهش رشد اقتصادی جهان متمرکز است.برای سال جاری میلادی رشد اقتصادی جهان‏ 5/4 درصد پیش‏بینی شده است که از 2/5 درصد رشد سال 2006 به میزان قابل توجهی کمتر می‏باشد.البته‏ صندوق بین‏المللی پول( IMF )این رشد را حدود 9/4 درصد تخمین زاده است که احتمال بازنگری در این‏ پیش‏بینی وجود دارد.کسری تجاری آمریکا هم طی‏ یازده ماه اول سال 2006،حدود 700 میلیارد دلار گزارش‏ شده است که عامل منفی قابل توجهی در ادامه رشد اقتصادی آن کشور به عنوان بزرگترین اقتصاد جهان‏ به شمار می‏رود.مجموعه این عوامل،رشد اقتصادی‏ آمریکا را از 3/3 درصد سال 2006 به 3/2 درصد در سال‏ 2007 کاهش خواهد داد.منطقه یورو هم که در سال 2006، با رشد اقتصادی 6/2 درصد بهترین وضعیت را در شش‏ سال گذشته تجربه کرد،ممکن است با وجود بهبود وضعیت اقتصاد آلمان به دلیل کاهش رشد اقتصادی سایر کشورهای عضو منطقه یورو،به رشد اقتصادی 1/2 درصد بسنده کند.افزایش نرخ بهره در سراسر جهان می‏تواند به صورت عامل کاهش فعالیت‏ها عمل کند.رشد اقتصادی ژاپن نیز ممکن است از 2/2 درصد سال 2006 به 8/1 درصد در سال 2007 کاهش یابد.از آنجائی که‏ کشورهای صنعتی پیشرفته،با نزدیک به 60 درصد تقاضای جهانی،عمده‏ترین مصرف کنندگان نفت در جهان به شمار می‏روند،هر گونه کاهش در مصرف نفت‏ این کشورها به دلیل کند شدن رشد اقتصادی آن‏ها می‏تواند تاثیرات قابل توجهی بر بازار نفت بگذارد. خصوصا کاهش رشد اقتصادی آمریکا،در صورتی که‏ منجر به کاهش تقاضای نفت و کالاهای غیر نفتی شود، بر روی دیگر اقتصادهای جهان نیز تاثیر قابل توجهی‏ خواهد گذاشت.این امر به نوبه خود می‏تواند کاهش‏ بیشتر تقاضای نفت را در پی داشته باشد.برای مثال‏ اقتصاد چین،که به یکی از عمده‏ترین مصرف کنندگان‏ نفت در جهان مبدل شده است،صادراتش به صورت‏ فزاینده‏ای به آمریکا وابسته شده است زیرا آمریکا هر ماه‏ حدود 25 میلیارد دلار از چین کالا وارد می‏کند.بر اساس‏ گزارش صندوق بین‏المللی پول( IMF )نزدیک به 11 درصد تولید نا خالص ملی چین وابسته به صادرات آن کشور به‏ آمریکاست،در حالی که این رقم برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ژاپن بیش از 3 درصد نیست.از سوی‏ دیگر بسیاری از کشورهای آسیائی هم که به اقتصاد چین‏ وابسته هستند،از کاهش فعالیت‏های اقتصادی چین‏ متضرر خواهند شد.

با توجه به آنچه گفته شد هم در کوتاه مدت و هم در میان مدت،رشد اقتصاد جهانی از عوامل تاثیرگذار بر تقاضای نفت و قیمت‏های آن خواهد بود.از دیگر عوامل‏ تاثیرگذار بر بازار نفت،سطح ذخایر نفت در کشورهای‏ صنعتی و میزان رو به رشد آن‏ها در کشورهائی مانند چین و هند است که با تازگی به جرگه مصرف کنندگان‏ عمده نفت پیوسته‏اند.این ذخایر،چه به صورت‏ استراتژیک و چه به صورت تجاری،می‏توانند بر روند قیمت‏های نفت بسیار موثر باشند.برای مثال ذخایر استراتژیک آمریکا از سال 2002 به طور مرتب،با وجود بالا بودن قیمت‏های نفت،افزایش یافته است و از حدود 550 میلیون بشکه به نزدیک به 700 میلیون بشکه افزایش‏ یافته است.به تازگی هم دولت آمریکا اعلام کرده است‏ که در نظر دارد ظرفیت این ذخایر را تا 20 سال آینده به‏ 5/1 میلیارد بشکه افزایش دهد.در کوتاه مدت نیز با افزایش روزانه 100 هزار بشکه،از ماه مارس 2007،در عرض چند ماه حجم این ذخایر را 11 میلیون بشکه دیگر افزایش خواهد داد.انتشار این خبر،که نوعی افزایش‏ تقاضا بشمار می‏رفت،موجب تقویت قیمت‏های نفت‏ گردید.طبق سیاست اعلام شده آمریکا،هدف دولت از این اقدامات کاهش وابستگی به نفت وارداتی خصوصا از منطقه خاورمیانه است.این در حالی است که در میان‏ کشورهای عمده مصرف کننده نفت نظیر ژاپن،چین و کره جنوبی وابستگی آمریکا به نفت نظیر ژاپن،چین و کره جنوبی وابستگی آمریکا به نفت خاورمیانه در حد بسیار پائین‏تری است.(حدود 22 درصد برای آمریکا در مقابل 75 درصد وابستگی کره جنوبی).با وجود این، دولت آمریکا در پی کاهش وابستگی به نفت خاورمیانه‏ تا یک چهارم میزان فعلی تا سال 2025 است.حجم‏ ذخیره‏سازی نفت در کشورهای عضو OECD ،اعم از ذخایر تجاری و استراتژیک،هم اکنون بیش از 4 میلیارد بشکه و پاسخگوی نیاز 85 روز این کشورهاست.این‏ در حالی است که چنانچه واردات این کشورها در نظر گرفته شود،این میزان نفت برای نزدیک به چهار ماه‏ واردات نفت کافی خواهد بود.البته گر چه بازار نفت‏ همواره شاهد وقوع جنگ‏ها،انقلاب‏ها و شورش‏ها بوده‏ است،اما هیچگاه قطع شدن کامل واردات در سطح‏ جهانی را تجربه نکرده است.

از دیگر عواملی که در ماه‏ها و سال‏های آتی بر قیمت‏ها تاثیرگذار خواهد بود،میزان تولید کشورهای‏ غیر اوپک است.به نظر می‏رسد سرمایه‏گذاری‏های انجام‏ شده در سال‏های اخیر در این کشورها کم کم به ثمر نشسته و سال جاری میلادی شاهد افزایش تولید این‏ گروه از کشورها به میزان قابل توجه نزدیک به 5/1 میلیون‏ بشکه در روز خواهیم بود.

همه این عوامل بنیادین می‏توانند فشارهای زیادی را بر سطح قیمت‏ها وارد کنند.البته فعال شدن عوامل‏ ژئوپلتیک،نظیر ایجاد بحران در موضوع هسته‏ای ایران‏ از سوی آمریکا،می‏تواند به افزایش قیمت‏های نفت‏ کمک کند.در چین وضعیت احتمالی بیشتر منافع‏ افزایش قیمت‏ها به کشورهائی تعلق خواهد گرفت که‏ اولا ظرفیت اضافی تولید در اختیار دارند و ثانیا رشد مصرف داخلی آنها به اندازه‏ای نیست که صادراتشان را به خطر بیندازد.

با توجه به همه عواملی که توضیح داده شد،به دلیل‏ غیر قابل پیش‏بینی بودن بازار نفت،برنامه‏ریزی اقتصادی‏ کشورمان باید بر اساس قیمت‏های نفتی باشد که عوامل‏ بنیادین آن را توجیه می‏کنند.لذا از هر گونه خوش‏بینی‏ افراطی در این زمینه باید اجتناب کرد.بهینه کردن مصرف‏ داخلی و حفظ موقعیت کشور به عنوان صادر کننده عمده‏ نفت و گاز و کاهش هر چه بیشتر وابستگی به فراورده‏های‏ وارداتی گذشته از توجیه اقتصادی،از عناصر حفظ امنیت‏ ملی به شمار می‏رود.در حفظ و ارتقاء این موقعیت همه‏ دست اندر کاران باید تلاش کنند.